

## پرسش ۶۶۵: آیا بین آیات (و تخشی الناس....) و (لا یخشون احداً) تعارضی هست؟

السؤال/۶۶۵: بسم الله الرحمن الرحيم، نحمد الله على عظيم هدايته وسعة رحمته وإظهار حججه بحكمته، ابتعثهم رسلاً وأئمة مبشرين ومنذرين وهادين، ليهلك من هلك على بينة ويحيى من حي على بينة وأشهد أن لا إله إلا الله، إلهاً أحداً صمداً، وأن محمداً عبده الذي انتجبه وأنزل إليه الكتاب وأوحى إليه منه قرآناً عربياً غير ذي عوج، دعانا به إلى النجاة، ثم خلف فينا كتاب الله فأبلج به عن حجج الله (عليهم السلام)، فأوضح الله لنا بهم دينه وفتح بهم ينابيع علمه، يهدون بالحق، اللهم صل على كلمتك العليا محمد وآله الطيبين الطاهرين..

بسم الله الرحمن الرحيم. خداوند را به خاطر بزرگی هدايتش و وسعت رحمتش و آشکار کردن حجت‌هايش با حکمتش، ستايش می‌کنيم. آنان را به عنوان فرستادگان و امامانی بشارت‌دهنده، بیم‌دهنده و هدايت‌کننده مبعوث فرمود، تا آن که هلاک می‌شود، با دليل هلاک شود و کسی که زنده می‌ماند، با دليل زنده بماند. گواهی می‌دهم که هيچ خدایی جز الله نیست؛ خدایی یگانه و بی‌نیاز. و اینکه محمد بنده‌اش می‌باشد که او را برگزیده است و کتاب را بر او فرستاد و از آن بر او قرآنِ عربی که هيچ کژی در آن نیست، وحی نمود. ما را به واسطه‌ی آن، به سوی نجات دعوت نمود، سپس کتاب خداوند را در بين ما باقی گذاشت و به واسطه‌ی آن حجت‌های خداوند(ع) را آشکار نمود. خداوند به واسطه‌ی آنها دينش را بر ما آشکار نمود و چشمه‌های حکمت را گشود. آنها به حق هدايت می‌کنند. خداوندا! بر کلمه‌ی بَرْتَرْتِ محمد و خاندان پاک و پاکیزه‌اش درود فرست....

سلسلة أسئلة العظام

السيد أحمد الحسن، الأخوة أنصار السيد أحمد الحسن:

سلام عليكم ورحمة الله وبركاته

سلسله مسئله‌های عظیم و بزرگ  
سید احمدالحسن، برادران انصار سید احمدالحسن:  
سلام علیکم ورحمت الله و بركاته

من بین أهم الآلیات التي يعرف بها حجة الله سؤاله في عظام الأمور، ولا شك أنّ علوم القرآن لا تضاهيها عظمة كون أن القرآن مخبر لما كان وما سيكون وما هو كائن شرط التزام القارئ بقصد القائل عز وجل، ولابتعاد الناس عن لسان القرآن وإمامته بالأساليب الأعجمية (سهك اللغة) من جهة التفسير والتبيين ظهر الاختلاف والمعارضة مع تلك العلوم فجاءت التفاسير حاكية عن اختلاف عظیم وكثير.. ولأنّ من سمة النتاج الإنساني كما أقر القرآن الاختلاف والتعارض أصبحت حكومة القرآن على الأثر والنتائج الإنسانية لبيان صحة المصدر من عدمه حكومة واقعة. فبها يرد المدعي ويتبع من أشار الله إليه بالاتباع والطاعة والانقياد، فلا وجود باب لمعرفة الحجج إلا بالله وما توفيقي إلا بالله.

از مهم ترین ابزارهایی که حجت خداوند به واسطه اش شناخته می شود، پرسش از او درباره ی مسایل بزرگ می باشد. شکی نیست که عظمت علوم قرآن، بی بدیل است؛ چرا که قرآن از گذشته و آینده و در حال خبر می دهد؛ به شرط ملتزم بودن خواننده به منظور گوینده ی عزوجل. به جهت دور بودن مردم از زبان قرآن و از بین بردن آن با اسلوب های بیگانه (قواعد دست و پا گیر زبان) در تفسیر و بیان، اختلاف و تعارض با این علوم ایجاد شده است تفسیرها حکایت از اختلافات بزرگ و بسیار دارند... و به این جهت که تأثیر کار انسان همان طور که قرآن بیان می کند، اختلاف و تعارض است، حکم قرآن بر مسایل و کارهای انسانی برای بیان صحیح یا اشتباه بودن منبع آن، حکمی واقعی است. به واسطه ی آن است که مدعی رد می شود و کسی که خداوند به پیروی و اطاعت و فرمان برداری از او اشاره فرموده، پیروی می شود. پس هیچ بابی برای شناخت حجت های الهی وجود ندارد مگر به واسطه ی خداوند و هیچ توفیقی حاصل نمی شود مگر به واسطه ی خداوند.

السؤال الأول: (...وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا) [الأحزاب: 37].

پرسش اول: «... و هنگامی که تو به آن مرد که خدا بر او نعمت ارزانی داشته بود و تو نیز نعمتش داده بودی، گفتی: همسرت را برای خود نگه دار و از خدای بترس، در حالی که در دل خود آنچه را که خدای آشکار ساخت مخفی داشته بودی و از مردم می ترسیدی، حال آنکه خدا سزاوارتر بود که از او بترسی، پس چون زید از آن زن حاجت خویش بگزارد، به همسری تو آش درآوردیم تا مؤمنان را در زناشویی با زنان فرزند خواندگان خود، اگر حاجت خویش از او بگزارده باشند، منعی نباشد و حکم خداوند شدنی است». [الأحزاب: 37]

(الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا \* مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا) [الأحزاب: 39-40].

(کسانی که پیامهای خدا را ابلاغ می کنند و از او می ترسند و از هیچ کس جز خداوند بیم ندارند، خدا برای حسابرسی کافی است \* محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست؛ بلکه او رسول خدا و خاتم پیامبران است، و خداوند به هر چیزی دانا است) [الأحزاب: 39-40]

السؤال: في المورد الأول يؤكد القرآن أن المخاطب (وتخشى الناس والله أحق أن تخشاه)، وفي الثاني ينفي وقوعه البتة في تلك الخشية بلحاظ (ولا يخشون أحدًا) فما هو قول السيد أحمد الحسن بما قد يذهب البعض إلى وجود بعض التعارض في الموردين؟؟

المرسل: الأمين - العراق 15/ شعبان

پرسش: در مورد اول قرآن تأکید می‌کند که مخاطب (و از مردم می‌ترسیدی، حال آنکه خدا سزاوارتر بود که از او بترسی) در حالی که در دومی وقوع چنین ترسی را با (و از هیچ کس بیم ندارند) نفی می‌کند. سخن سید احمد الحسن در مورد نظر بعضی‌ها در خصوص وجود داشتن مقداری تعارض در این دو مورد چیست؟

فرستنده: امین - عراق - 15 شعبان

**الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم**

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

لا تعارض، فالطرف الذي يخشى عليه قد تغير في الموردين؛ ففي الأول يخشى الناس على دين الله الذي يحمله، وفي الثاني لا يخشى الناس على نفسه.

تعارضی وجود ندارد. کسی که از او ترسیده می‌شود، در دو مورد تغییر کرده است؛ در اولی از مردم در مورد دین خداوندی که به دوش می‌کشد، می‌ترسد و در دومی، از مردم نسبت به خودش ترسی ندارد.

**السؤال الثاني: المورد الأول: (... الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) [الرعد: 28].**

پرسش دوم: مورد اول: (... آنان که ایمان آوردند و دل هایشان به یاد خدا آرامش می یابد. آگاه باشید که تنها با یاد خدا، دل ها آرامش می یابد). [الرعد: 28]

**المورد الثاني: (... إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ) [الأنفال: 2].**

مورد دوم: (... مؤمنان فقط کسانی هستند که چون نام خدا برده شود خوف بر دل هایشان چیره گردد و چون آیات خدا بر آنان خوانده شود ایمان شان افزون گردد و تنها بر پروردگارشان توکل می کنند) [الأنفال: 2].

**السؤال: في المورد الأول يؤكد القرآن أنّ حال من ذكر الاطمئنان، وفي الثاني الوجع وشتان بين الحالين. فما هو قول السيد أحمد الحسن بما قد يذهب البعض إلى وجود بعض التعارض في الموردين؟؟**

المرسل: الأمين - العراق

پرسش: در مورد اول، قرآن تأکید می کند حالت کسی که یادآور شود، آرام گرفتن است در حالی که در دومی ترسان شدن می باشد و بین دو حالت تفاوت وجود دارد.... سخن سید احمد الحسن در مورد نظرات برخی در مورد وجود داشتن تعارض در این دو مورد چیست؟

فرستنده: امین - عراق

**الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم**

**والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.**

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

لا تعارض، بل لابد من اجتماع الحالين في قلوب أولياء الله فالأطمئنان والأمان سببه النظر إليه سبحانه ومعرفة أنه الغفور الرحيم الذي يغفر الذنوب ويغفر ذنب الأنا العظيم وهو الذي لا يرد سائلاً ويؤمن الخائف وعطاؤه ابتداء، والوجل والخوف سببه النظر في النفس ومعرفة أنانيتها وظلمتها وتقصيرها واستحقاقها للمحاسبة؛ لأنها موضع ذنب الالتفات إلى الأنا والغفلة عنه سبحانه.

أحمد الحسن - 1433 هـ

تعارضی وجود ندارد؛ بلکه از جمع شدن این دو حالت در دل های اولیای خداوند گریزی نیست. دلیل آرامش و امنیت، نگاه به خداوند سبحان است و شناخت به اینکه او آمرزنده‌ی مهربانی است که گناهان را می‌آمرزد و گناه بزرگ منیت را عفو می‌کند؛ او کسی است که هیچ درخواست کننده‌ای را رد نمی‌کند و ترسان را در امان می‌دارد و بخشش او از همان ابتدا هست. علت بیم و ترس، نگاه به نفس (خویشتن) می‌باشد، و شناخت منیت و تاریکی و کوتاهی اش و مستحق بودنش برای مورد حساب قرار گرفتن؛ چرا که نفس، محل گناه توجه به منیت و بی‌خبری از خداوند سبحان می‌باشد.

احمد الحسن - ۱۴۳۳ هـ

